گفت‌وگوی «جوان» با علی فلاحتی که پدر و دو برادرش در بمباران شیمیایی شهر نودشه به شهادت رسیدند

زندگی با گاز خردل حکایتی است که هیچ‌گاه به آن عادت نکردم

احمد محمدتبریزی

شهر نودشه در استان کرمانشاه در آخرین روزهای سال ۱۳۶۶ توسط هواپیماهای بعثی هدف بمب‌های شیمیایی قرار می‌گیرد و علی فلاحتی ۱۶ ساله، خانواده‌اش و تعدادی دیگر از مردم غیرنظامی و بی‌گناه را آلوده به گاز خردل می‌کند. یک روز پس از این حمله، پدر و دو برادر علی، به خاطر عوارض استنشاق گازهای شیمیایی به شهادت می‌رسند و علی نیز جانباز شیمیایی می‌شود. این خانواده روزهای سختی را به واسطه حمله شیمیایی بعثی‌ها متحمل می‌شوند و پس از گذشت بیش از ۳۰ سال، هنوز زندگی‌شان تحت تأثیر آن حملات است. حمله بعثی‌ها به مردم غیرنظامی و ریختن بمب شیمیایی مصداق بارز جنایت علیه بشریت بود ولی هیچ‌گاه نهادهای حقوق بشری نسبت به این جنایت‌های دلخراش ورود نکردند و حق آسیب‌دیدگان از این حملات گرفته نشد. هشتم تیر روز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی است و فلاحتی در گفت‌وگو با «جوان» از واقعه تلخ حملات شیمیایی بعثی‌ها و شهادت اعضای خانواده‌اش می‌گوید.

شهید مختار فلاحتی

شهید ابایک فلاحتی

شهید طاهر فلاحتی

شما در چه سالی و چگونه جانباز شیمیایی شدید؟

شهر ما در ۱۳۶۶/۱۲/۲۶ بمباران شیمیایی شد. ساعت ۴ بعد از ظهر بود و ما مثل روزهای عادی زندگی‌مان را می‌کردیم که دشمن بمب‌های شیمیایی را روی سرمان ریخت. من ۱۶ ساله بودم و آن روز هواپیماهای بعثی عراق در سه نوبت شهر نودشه را بمباران کردند. گاز خردل را بر سر مردم غیرنظامی و کودکان ریختند و جان انسان‌های غیرنظامی و بی‌گناه را گرفتند. دو هواپیما در سه نوبت شهر را بمباران شیمیایی کردند. برای بمباران شیمیایی بعثی‌ها از قبل اطلاع‌رسانی نکردند و ما هم اطلاعی نداشتیم دارد چه بلایی سرمان می‌آید و وقتی گاز شیمیایی استنشاق می‌کنیم باید چه کار کنیم. وقتی بمباران اتفاق افتاد، یک بوی خاصی مثل بوی علف تازه را استشمام کردیم. ما آن لحظه متوجه نشدیم چه اتفاقی افتاده و آن زمان اطلاع‌رسانی نشده بود که چنین چیزی هست و ما هم ناخواسته گرفتار شدیم. بعد از چند ساعت کار کردن کم کم حالت مسمومیت پیدا کردیم و تازه فهمیدیم دشمن منطقه را شیمیایی کرده است.

یعنی بمب‌های شیمیایی را در یک منطقه غیرنظامی و بر سر مردم بی‌گناه ریختند؟

منطقه ما کاملاً غیرنظامی بود و بعثی‌ها با ریختن بمب‌های شیمیایی روی سر مردم غیرنظامی و بی‌گناه اوج قساوت و سنگدلی‌شان را نشان دادند. شهر نودشه لب مرز قرار دارد و فاصله‌اش با عراق زیاد نیست. به نوعی ما در پشت جبهه قرار داشتیم. شهرمان هم بزرگ نیست و در کل چند هزار نفر جمعیت دارد. هواپیماهای بعثی بمب‌ها را انداختند و تمام مردم شهر را درگیر کردند.

روز بمباران دقیقاً چه اتفاقی برایتان افتاد؟

روز بمباران یکی از موشک‌های شیمیایی به خانه پسرعمویم برخورد کرد. ما در یک محله زندگی می‌کردیم و به همراه اقوام برای کمک رفتیم. بعد از چند ساعت کار کردن علائم استنشاق گازهای شیمیایی ظاهر شد و مسموم شدیم. سرفه‌های مکرر، تنگی نفس و آبریزش‌بینی پیدا کردیم و حتی بینایی‌مان هم از دست رفت. خیلی شرایط بد و سختی بر همه ما حکمفرما شد. پس از چند ساعت به پاوه منتقل شدیم و از آنجا به کرمانشاه و در نهایت برای درمان به تهران آمدیم. آن روز از خانواده ما چندین نفر مسموم شدند. البته این را هم بگویم که به خاطر شرایط جنگی بسیاری از مردم منطقه به کوه‌ها رفته بودند و همین باعث شد تا تلفات کمتر شود. شهر تا حدود زیادی خالی شده بود. اگر مردم به طور کامل در شهر زندگی می‌کردند تعداد شهدا و جانبازان خیلی بیشتر می‌شد. خبر داشتیم عراق می‌خواهد پاتک بزند ولی اصلاً فکر نمی‌کردیم بمب‌های شیمیایی روی سرمان بریزد. چون با عراق فاصله نداریم شهر تخلیه شده بود و مردم به کوه‌ها پناه برده بودند. وقتی خبردار شدیم خانه پسرعمویم بمباران شده برای کمک آمدیم که همه‌مان گرفتار شدیم.

شما چند درصد درگیر شدید؟

برای من بین ۳۵ تا ۴۵ درصد زدند. عوارض گاز شیمیایی هنوز با من هست و حتی شدیدتر هم شده است. عوارض شیمیایی چیزی نیست که با گذشت زمان کمتر شود، بلکه بیشتر هم می‌شود. هیچ دارو و علاج خاصی برای درمان جانبازان شیمیایی وجود ندارد. ریه‌های من مکرر عفونی می‌شود و تنگی نفس دارم. مکافات زیادی برای زندگی کردن دارم. خلاصه اگر بخواهم بگویم، زندگی کردن با گاز خردل مکافات است. گاز خردل عوارض زیادی دارد.

در کرونا شرایط‌تان سخت‌تر هم شده است؟

من در این یک سال و نیم از خانه بیرون نیامده‌ام چون اگر کرونا بگیرم فاتحه‌ام خوانده است. شرایطمان با شیوع ویروس کرونا سخت‌تر هم شده است و کاری از دستمان برنمی‌آید. الان در نودشه زندگی می‌کنم و اگر در شهر بزرگ بخواهم زندگی کنم که شرایطم خیلی سخت‌تر می‌شود. مردم پس از ۳۳ سال هنوز درگیر عوارض شیمیایی هستند. فردای آن روز که شهر را بمباران کردند، دو برادر و پدرم شهید شدند. روز بمباران شهر با هم بودیم و فردای آن روز که به بیمارستان لبافی‌نژاد تهران منتقل شدیم، پدر و برادرهایم نیز همراهم بودند. چهار نفر از پسرعموهایم و دخترعموهایم یک روز پس از بمباران شهر و به خاطر استنشاق گازهای شیمیایی شهید شدند. نزدیک به ۱۰ نفر از بستگان ما بر اثر بمباران شیمیایی شهر نودشه شهید شده‌اند و بمباران شیمیایی زندگی‌مان را خراب کرد.

نام پدر و برادرتان را می‌فرمایید.

پدرم ابابکر فلاحتی حدود ۶۳ سال سن داشتند. برادرهایم طاهر ۲۲ ساله و مختار فلاحتی ۲۰ ساله بودند. در آن روز سه نفر از خانواده‌ام شهید شدند و خودم نیز جانباز شدم. دخترعمویم نیز همان روز به همراه شوهرش شهید شد. استشمام گاز شیمیایی آنها را شهید کرد. آنها بیشتر از من در منطقه کار کرده بودند. آواربرداری می‌کردند و نزدیک سه چهار ساعت بیشتر از من در معرض آلودگی قرار داشتند. من نزدیک نیم ساعت آنجا بودم و اگر بیشتری ماندم، من هم شهید می‌شدم. ما در یک روز داغدار پدر و برادرهایم شدیم و خیلی روزهای سختی را پشت سر گذاشتیم. غم و ناراحتی که آن روزها داشتیم به هیچ عنوان قابل وصف نیست.

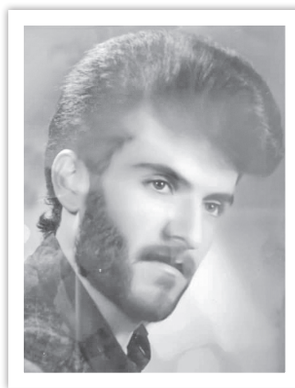

علی فلاحتی، جانباز شیمیایی

> من با پدرم هم تختی بودم که ایشان به شهادت رسید. خاطرم هست که پدرم هوشیاری نداشت و نفسش بند آمده بود. برادرهایم نیز با هم بودند. ما روز بمباران دیگر بینایی‌مان را از دست دادیم و حال مناسبی نداشتیم و فقط فردایش در تهران متوجه شدم که پدر و برادرهایم شهید شده‌اند. خیلی برایم سخت بود. خودم روی تخت بیمارستان خوابیده بودم که متوجه شدم پدر و برادرهایم شهید شده‌اند. اصلاً شدت تلخی و سختی آن روزها قابل توصیف نیست

شهادتشان در آن سن کم را چطور هضم کردید؟

من با پدرم هم‌تختی بودم که ایشان به شهادت رسید. خاطرم هست که پدرم هوشیاری نداشت و نفسش بند آمده بود. برادرهایم نیز با هم بودند. ما روز بمباران دیگر بینایی‌مان را از دست دادیم و حال مناسبی نداشتیم و فقط فردایش در تهران متوجه شدم که پدر و برادرهایم شهید شده‌اند. خیلی برایم سخت بود. خودم روی تخت بیمارستان خوابیده بودم که متوجه شدم پدر و برادرهایم شهید شده‌اند. اصلاً شدت تلخی و سختی آن روزها قابل توصیف نیست. مادرم نیز شیمیایی شد و چند سال پیش به رحمت خدا رفت. بمباران شیمیایی تمام خانواده ما را تحت تأثیر قرار داد. من ۴۵ روز در بیمارستان بستری بودم و پس از یک ماه و نیم به خانه آمدم؛ خانه‌ای که دیگر پدر و برادرهایم در آن نبودند. من خودم یک نوجوان بودم و باید داغ پدر و برادرهایم را نیز تحمل می‌کردم. الان هم با گذشت زمان هرچند سال یک بار یکی از آشنایان و اقوام به خاطر عوارض بمباران شیمیایی شهید می‌شود. سال گذشته پسرعمویم به نام فائق فلاحتی شهید شد. سه سال پیش یکی دیگر از پسرعموهایم به نام محمدکریم فلاحتی به خاطر عارضه شیمیایی شهید شد. دو نفر دیگر نیز چند سال پیش از دنیا رفتند. تمام اقوام ما درگیر گازهای شیمیایی شدند و به مرور عوارضش در بدنشان نمایان شد. ۳۴ سال خودم و خانواده‌ام درگیر گازهای شیمیایی هستیم. ما می‌گوییم مرگ و زندگی دست خداست ولی اگر اقواممان گازهای شیمیایی را استنشاق نمی‌کردند هنوز در قید حیات بودند و عامل اصلی شهادتشان عوارض شیمیایی بود. عوارض شیمیایی نه درمان دارد نه دوا. هیچ کاری نمی‌توان برایمان انجام داد. باید همینطوری سر کنیم. شاید یکسری داروها تأثیر جزئی داشته باشد ولی داروی قطعی برای خوب شدنمان وجود ندارد. اگر در یک شهر بزرگ بودیم که سختی‌هایمان دو برابر می‌شد.

قبلاً شنیده بودید بعثی‌ها از گازهای شیمیایی استفاده کرده‌اند؟

آن زمان در منطقه ما تلویزیون و رسانه‌ای برای اطلاع‌رسانی نبود و ما خیلی اطلاع دقیقی از مسائل نداشتیم. بعثی‌ها آخر جنگ بمب‌های شیمیایی را روی سر ما ریختند و چند ماه بعد جنگ تمام شد. این بلایی بود که برایمان نازل شد. همان روزی که حلبچه را شیمیایی زدند به شهر نودشه هم با بمب‌های شیمیایی حمله کردند و هر دو شهر با هم شیمیایی شدند. منتها بمب شیمیایی حلبچه سیانور بود و سیانور چند ثانیه بیشتر طول نمی‌کشد تا جان آدم را بگیرد ولی برای ما خردل بود. حلبچه را کل دنیا متوجه شد ولی هنوز خیلی‌ها متوجه مظلومیت مردم نودشه نشده‌اند. در حلبچه ۵هزار نفر جانشان را از دست دادند و عمق فاجعه خیلی بیشتر بود.

جهت احقاق حق و بیان مظلومیت‌تان از طریق نهادهای داخلی و بین‌المللی پیگیری و شکایتی کرده‌اید؟

از چه کسی شکایت کنیم. این کارها هیچ فایده‌ای ندارد. بعد اینکه ما گرفتار خودمان بودیم. از همان روز اول دیگر فرصت و زمان برای انجام چنین کارهایی نداشتیم و اصلاً نمی‌دانستیم که باید چه کار کنیم. الان چیزی که می‌خواهم دارویی است که تسکین دردم باشد. دیگر شکایت و این کارها نه پدرم را برمی‌گرداند نه برادرهایم را و نه سلامتی‌ام را به من می‌دهد. من هیچ‌گاه آمران و عاملان این اتفاق تلخ را نخواهم بخشید و خیلی واقعه سنگینی برایم بود. ریه من همیشه درگیر است و در فصل گرما وضعیتم بهتر است ولی در فصل سرما گرفتاری و سختی‌هایمان بیشتر می‌شود. سرفه و تنگی‌نفس داریم. ما گرفتار شدیم و چاره‌ای هم نداریم و باید بسوزیم و بسازیم.

تصویری از بمباران شیمیایی شهر نودشه

نگاه

از جانبازان شیمیایی سردشت

جانبازان شیمیایی و دردهایی که باید شنیده شود

صدای مظلومیت یک ملت

آرمان شریف

قربانیان سلاح‌های شیمیایی در ایران را باید جزو مظلوم‌ترین آسیب‌دیدگان جنگ تحمیلی دانست. افرادی که جامعه جهانی چشمانش را روی آنها بست و هیچ‌گاه نخواست صدایشان به وضوح در جهان شنیده شود. مجامع حقوق بشری در جهان که معمولاً برای هر اتفاق بزرگ و کوچکی در دنیا بیانیه‌های مختلف می‌دهند، هیچ‌گاه صدای قربانیان سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی نشدند تا این جانبازان همچنان مظلومانه به زندگی‌شان ادامه دهند. در داخل نیز هنوز جنبه‌های زیادی از زندگی این قربانیان برای عموم پوشیده است و خیلی‌ها هنوز از دردهای حاکم بر جان این افراد ناآگاهند.

سلاح‌های شیمیایی تنها سلاح‌های جنگی هستند که بیشترین و قدیمی‌ترین معاهدات بین‌المللی برای منع کاربرد آن وجود دارد. به دلیل ماهیت غیرانسانی و وحشیانه این گونه سلاح‌ها، از قرن‌ها پیش که از سلاح‌های شیمیایی در شکل ابتدایی آن و در جنگ‌ها استفاده می‌شد، قراردادهای مختلفی برای ممنوع ساختن آن شکل گرفت.

اما با این حال دشمن بعثی در مقاطع مختلف از این گازهای سمی و کشنده علیه رزمندگان و مردم غیرنظامی استفاده کرد و به هیچ نهاد بین‌المللی نیز پاسخگو نشد. ارتش بعث هرجا که در تنگنا قرار می‌گرفت به راحتی از سلاح‌های شیمیایی استفاده می‌کرد و جان افراد بی‌گناه زیادی را می‌گرفت. بعثی‌ها بارها و بارها در طول جنگ از سلاح‌های شیمیایی مختلف استفاده کردند و بدون کوچک‌ترین نگرانی و هراسی این اقدام‌شان را تا سال‌های پایانی جنگ نیز ادامه دادند.

چه در زمان حملات و چه پس از آن، نه رسانه‌های خارجی و نه نهادهای بین‌المللی به صورت مستقیم و قدرتمند وارد عمل نشدند و هیچ‌گاه نخواستند از دردهای جانبازان شیمیایی ایرانی بگویند. آنها به راحتی چشم‌هایشان را روی جانبازان شیمیایی ایرانی بستند تا جهان متوجه وسعت جنایت بعثی‌ها و مظلومیت ایرانی‌ها نشود. هفتم تیر سال ۱۳۶۶ رژیم بعث عراق با استفاده از بمب‌های شیمیایی چهار نقطه پرازدحام سردشت را بمباران کرد که در این حمله ناجوانمردانه ۱۱۹ نفر از ساکنان غیرنظامی شهر شهید و بیش از ۸هزار نفر نیز در معرض گازهای سمی قرار گرفتند و دچار مصدومیت شیمیایی شدند. بمباران شیمیایی شهر مرزی سردشت فجیع‌ترین تهاجم شیمیایی بود که آثار و مشکلات بسیاری به وجود آورد و این شهر اولین شهر قربانی جنگ‌افزارهای شیمیایی در جهان پس از بمباران هسته‌ای هیروشیما نامیده شد. سردشتی‌ها در دوران جنگ تحمیلی بارها از سوی نیروی هوایی رژیم بعثی عراق مورد هدف قرار گرفتند اما هر بار پس از بمباران، خرابی‌های ناشی از آن را درست می‌کردند و زخم‌ها دوباره التیام می‌یافت؛ اکنون سال‌هاست که رنج سردشتی‌ها از بمباران هفتم تیر ۱۳۶۶ ادامه دارد. همچنین در اسفند همان سال، هواپیماهای ارتش بعث شهر نودشه را نیز مورد بمباران شیمیایی قرار دادند و بار دیگر فاجعه‌ای انسانی را رقم زدند. بنا به آمار هشت بمب حاوی گاز خردل به نودشه اصابت شده است که حداقل ۱۳ نفر در همان لحظات شهید و بیش از ۱۰۰ نفر هم مصدوم شده‌اند. مسئله‌ای دیگر در آن زمان که بسیار ناگوار بوده، این است که مردم نودشه تا دقایقی بعد از حمله شیمیایی نمی‌دانستند که مورد حمله شیمیایی قرار گرفته‌اند تا به کمک مجروحان بشتابند، از این رو بسیاری شهید یا مجروح شدند و تنها پزشک حاضر در شهر نیز روز بعد از حادثه، به دلیل جراحات وارده حین درمان ساکنان شهر شهید شد. دردی سنگین بر دوش مردم شهر ماند و هنوز با گذشت سال‌ها هنوز این درد التیام نیافته است.

> بنا به آمار هشت بمب حاوی گاز خردل به نودشه اصابت شده است که حداقل ۱۳ نفر در همان لحظات شهید و بیش از ۱۰۰ نفر هم مصدوم شده‌اند. مسئله‌ای دیگر در آن زمان که بسیار ناگوار بوده، این است که مردم نودشه تا دقایقی بعد از حمله شیمیایی نمی‌دانستند که مورد حمله شیمیایی قرار گرفته‌اند

زخم‌های کهنه جانبازان شیمیایی هنوز روی تن‌شان سنگینی می‌کند. هرچند روی تقویم هشتم تیر به نام مبارزه با سلاح‌های شیمیایی نامگذاری شده و هر سال به این بهانه به یاد جانبازان شیمیایی می‌افتیم، اما مهم آن است که دردهای این جانبازان را در طول سال فراموش نکنیم. باید با تکیه بر بازوی رسانه‌ای و قدرت دیپلماسی از قربانیان مظلوم سلاح‌های شیمیایی احقاق حق شود و صدای مظلومیت‌شان به گوش مردم کشور و جهان برسد. باید در طول سال صدای جانبازان شیمیایی بود و نباید گذاشت تا گرفتاری‌ها و سختی‌های روزگار دردشان را دوچندان کند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۲۴۲

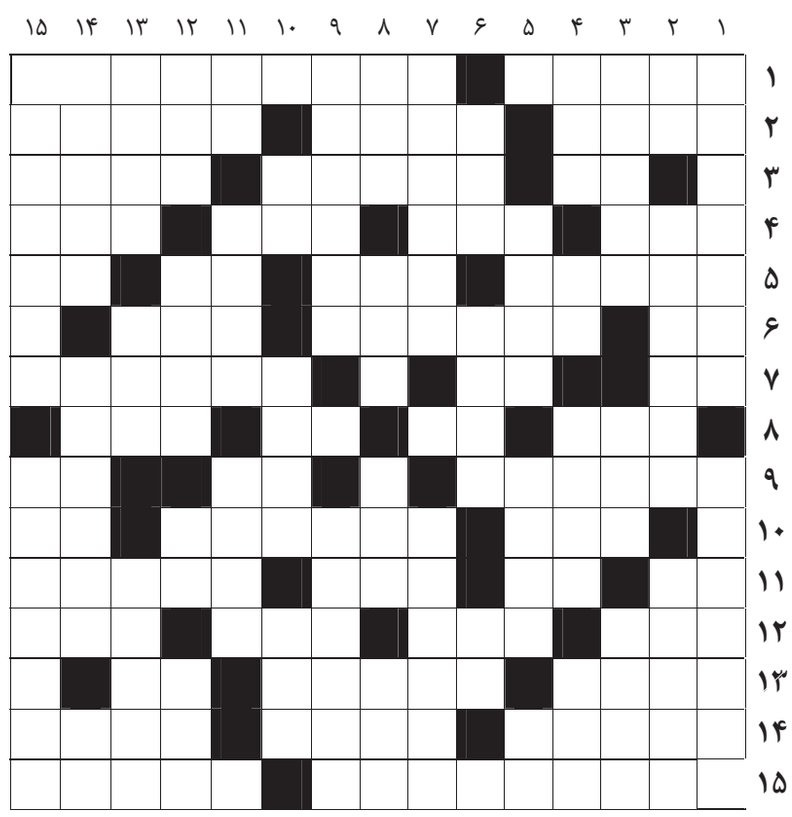

از راست به چپ

■ ۱- نام دیگر غزوه خندق - سیاح مشهور ونیزی ■ ۲- سخن‌چین - کشوری که در تولید واکسن کرونا با ایران همکاری دارد - مأمور عملیات ویژه نظامی ■ ۳- چاشنی چای - همیشگی - بافنده ■ ۴- منقار مرغان - از لقب‌های اشرافی انگلستان - زادگاه پدر شعر نو - آخرین وعده عبادت پنجگانه ■ ۵- شاهزاده و امیر - واحد اندازه‌گیری - علامت مفعول - کجاست ■ ۶- هر یک از اخلاط چهارگانه - دستیار افسر عالی‌رتبه - هسته انگور ■ ۷- بخاردهان - کارلجوج - سرزمین یخ‌های جاویدان ■ ۸- هراس - آب منجمد - گلو در گویش تهرانی‌ها - مایه سرگرمی ■ ۹- از جنگ‌های مولا علی(ع) - صدمه - کوچک ■ ۱۰- ناسیونال - پسر انوشیروان ساسانی - از اقمار مشتری ■ ۱۱- شبکه جهانی اطلاعات - مساوی - وسیله برش - شهر مقدس بودائیان ■ ۱۲- زره - موسیقی سیاهان - گاو تبتی - تقوا ■ ۱۳- دستوری - کلرید آمونیوم - گندم ■ ۱۴- پاپوش است اما کفش نیست - از دعاهای مفاتیح - بیدار ■ ۱۵- کشوری با مردم فارسی‌زبان در آسیای میانه - مهاجم تیم ملی فوتبال کشورمان

از بالا به پایین

■ ۱- شلوغی همراه سروصدا - تفقد، اکرام ■ ۲- از حروف مقطعه قرآنی - مصرف زیاد آن سلامتی را به خطر می‌اندازد - راز فاش‌شده ■ ۳- کودتاچی بیست و هشت مرداد - بهشت شداد - بالارفتن ■ ۴- زمان بی آغاز - یک و یک - بیابانگرد - تابستان آذری ■ ۵- بلندترین آبشار دنیا - برادر سلم و تور - حرف صریح ■ ۶- تیره - از بین‌بردن علف هرز زراعی - از خواهران نویسنده انگلیسی ■ ۷- فرزندان؛ نتایج - پولی که به واسطه نشان دادن هنری بگیرند ■ ۸- گسترده‌ترین رنگ در عرصه گیتی - معدن - اسلحه - لیکن ■ ۹- شهری در استان گلستان - پیچیده در گوش زمان فریادتان ■ ۱۰- از ضمایر انگلیسی - رود ارس - هنر فرنگی ■ ۱۱- پوستین وارونه - زن شلخته - نقشه عملیاتی ■ ۱۲- پایتخت پرجمعیت‌ترین کشور دنیا - محور چرخ - عدد مهاجم - خمیازه ■ ۱۳- فراخ و گشاد - لرزانک میوه - زمان طولانی ■ ۱۴- از تنقلات - تازه به دوران رسیده - اراده ■ ۱۵- بلند پایه - حمایت و پشتیبانی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۲			۶	۵		
۶				۲	۹			
		۷	۳			۲		
	۶		۸					
۳			۱					۷
	۷						۳	۱
۸			۶	۱				
							۴	۳
	۴			۵			۶	

۷	۶	۴	۸	۹	۸	۱	۸	۲
۸	۸	۱	۷	۲	۴	۶	۸	۹
۹	۸	۲	۸	۱	۶	۸	۴	۷
۱	۸	۷	۹	۶	۲	۸	۷	۴
۴	۷	۹	۶	۲	۸	۷	۹	۸
۸	۹	۲	۱	۸	۷	۹	۶	۴
۶	۴	۸	۷	۹	۶	۱	۲	۸
۷	۱	۹	۶	۴	۲	۸	۹	۸
۴	۲	۸	۹	۸	۱	۶	۸	۷

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۲۴۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ن	ا	ص	ر	ی	■	ح	ل	م	■	د	س	ت	ا	س
۲	ب	ص	ل	■	ز	ا	■	ا	س	ک	ا	د	ر	ا	ن
۳	و	ا	ح	د	■	ز	ر	م	ا	ن	ی	م	■	ر	گ
۴	غ	ل	■	م	ک	ا	ن	■	ح	ج	ر	ا	ت	■	ر
۵	■	ت	ک	■	ر	ن	ج	ر	■	د	هـ	ک	د	هـ	■
۶	م	■	ب	ب	ا	■	هـ	و	س	■	ا	و	ن	ی	ی
۷	ک	ا	ر	ا	م	م	د	■	م	ح	م	ل	■	ن	و
۸	ا	ن	■	س	ا	ی	ل	■	ر	س	م	ی	■	ب	ن
۹	س	ب	ک	■	ل	و	چ	و	■	ع	ا	ز	و	چ	ا
۱۰	ب	ی	ش	ک	ک	■	ک	ی	و	■	ا	ز	ن	■	هـ
۱۱	■	ا	م	ل	ا	ک	■	ل	ا	غ	ر	■	ر	د	■
۱۲	م	■	ش	ا	ت	و	ن	■	ل	ی	ف	هـ	■	ی	د
۱۳	ا	س	■	ن	ب	ر	ا	س	ک	ا	■	ف	ت	و	ر
۱۴	س	ا	ن	ت	ی	ا	گ	و	■	ب	ک	■	ر	ا	د
۱۵	ت	ق	ا	ر	ن	■	هـ	ف	ت	■	ا	م	ا	ن	ی